



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

#### مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از مواجهه احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد. یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله‌ای یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. بنابراین مطالبی را که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

را برای شب عروسی دوستش خواسته باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد!

### یادداشت ۳

چند سالی است که کارخانه‌های داروسازی داخلی از طرف وزارت بهداشت مجاز شده‌اند تا نام «برند» یا همان نام تجاری را روی داروهای خود بگذارند. بعضی کارخانه‌ها نام‌های خوب، ساده و به یاد ماندنی را روی داروهای تولیدی خود گذاشته‌اند. ولی نام «برند» بعضی‌ها واقعاً خنده‌دار است و به یاد سپردن آن بسیار مشکل. بعضی از این نام‌ها نیز تناسبی با نوع مصرف دارو ندارند.

خانمی به داروخانه مراجعه کرد و نام تجاری یکی از داروهای تولید داخلی را به سختی و غلط تلفظ کرد. کلی فکر کردم تا مقصودش را متوجه شوم. خلاصه این که نام «برند» باید طوری باشد که به راحتی به یاد بماند.

به طور مثال، نام «ایندرال» که نام تجاری «پروپرانولول» است، آن قدر راحت و به یاد ماندنی است، که هنوز بعد از حدود ۴۰ سال، همه دست‌اندرکاران پزشکی، این نام تجاری را به نام ژنریک ترجیح می‌دهند.

### یادداشت ۴

خانم حدوداً ۵۰ ساله‌ای تقاضای پماد بتامتازون داشت. تکنیسین داروخانه به من ارجاعش داد. سؤال کردم که پماد را برای چه کاری می‌خواهد؟ روی دستش را نشانم داد و گفت: آقای دکتر

### یادداشت ۱

مریضی که به داروخانه مراجعه کرده بود، یک بسته قرص و یک شیشه شربت را جلویم گذاشت و منتظر ماند. سؤال کردم که مسأله‌شان چیست؟ راجع به داروهایش سؤال‌هایی داشت که شرح دادم.

پرسیدم: قرص‌ها را چگونه می‌خوری؟  
بلافاصله جواب داد: با یک لیوان آب!  
سؤال کردم: شربت را چگونه استفاده می‌کنی؟  
جواب داد: با قاشق غذاخوری!  
خودم را کنترل کردم که نخندم، تا به بیمار مراجعه‌کننده به داروخانه برنخورم.

مقصودم از چگونه خوردن داروهایشان را شرح دادم و مشکل ایشان را حل نموده و با خداحافظی راهی‌اش کردم.

### یادداشت ۲

ساعت ۲/۴۵ دقیقه بعدازظهر یک روز گرم تابستان بود. به دلیل کاری که در داروخانه داشتم داروخانه را برای ساعت ۲ تا ۴ تعطیل نکرده بودم. خانم جوانی مراجعه کرد و چسب مژه خواست که نداشتیم.

از این که در آن ساعت و آن هوای گرم برای چسب مژه به داروخانه مراجعه کرده بود، تعجب کردم.

رو به تکنیسین داروخانه کردم و گفتم: تصور کن که اگر به جای چسب مژه به مراجعه‌کننده داروخانه اشتباهی چسب ناخن بدهی و او نیز آن

برای زخم روی دستم می‌خواهم. دیدم از بس که دستش را خارانده، زخم شده است. به ایشان تذکر دادم که پماد بتامتازون برای زخم روی دست شما سم است. توضیح هم دادم که اصولاً پمادهای کورتون برای محل‌هایی که زخم هستند، توصیه نشده و نباید روی زخم مالیده شوند. از ایشان سؤال کردم که چه کسی این پماد را به شما توصیه کرده است؟

جواب داد: آقای دکتر، همسایه‌مان گفته پماد را روی دست بمال خوب می‌شود! روزانه چندین مرتبه از این نوع بیماران به داروخانه مراجعه می‌کنند و با توصیه همسایه‌شان دارو می‌خواهند. اسمش را گذاشته‌ام «طبابت همسایه‌ای»!

### یادداشت ۵

جوان بلندبالایی وارد داروخانه شد و تقاضای قرص کوآموکسی کلاو داشت. آن قدر محکم گفت که تکنیسین داروخانه فکر کرد حتماً توصیه پزشک معالج بوده و یک بسته ۲۰ عددی کوآموکسی کلاو ۶۲۵ میلی گرمی جلویش گذاشت. قیمتش را که سؤال کرد، گفت: من یک ورق (۴ عدد قرص) می‌خواستم. وارد بحث شدم و بسته قرص کوآموکسی کلاو را برداشتم و گفتم: آنتی‌بیوتیک باید به طور کامل مصرف شود. ضمناً شما این دارو را برای چی می‌خواهی، و چه کسی به شما توصیه کرده است؟

رو به من کرد و گفت: برای آبریزش بینی. کمی

هم گلویم می‌سوزد. گفتم: اگر تب نداری، که گفت: ندارم، اصلاً نیازی به آنتی‌بیوتیک نیست. قرص سرماخوردگی بزرگسالان دادم. مرد جوان گفت پس قرص آنتی‌هیستامین هم بدهید. پاسخ دادم: قرص سرماخوردگی بزرگسالان هم مسکن دارد، هم آنتی‌هیستامین و هم ضداحتقان. تشکر کرد و در حالی که قانع شده بود، رفت.

### یادداشت ۶

یکی از مسایلی که همکاران پزشک باید به آن توجه داشته باشند، مسأله بسته‌بندی دارو است. البته آشنا کردن با بسته‌بندی دارو یکی از وظایف نمایندگان علمی شرکت‌ها و کارخانه‌های دارویی است که به پزشکان مراجعه می‌کنند. این مسأله از آن‌جا حایز اهمیت است که اگر دارویی برای بیمار تجویز می‌شود که مصرف آن برای او همیشگی است و این دارو هم در دفترچه بیمه بیمار نوشته می‌شود، اگر بسته‌بندی دارو رعایت نشود، هزینه اضافی به بیمار تحمیل می‌گردد.

دفترچه بیمار را که دیدم، متوجه شدم که نسخه‌اش شامل ۳۰ عدد قرص سدیم والپروات است. از بیمار سؤال کردم که قبلاً این دارو را مصرف کرده است؟ گفت: مصرف دایمی بیمارمان است.

با توجه به این‌که قرص سدیم والپروات در شیشه‌های ۵۰ عددی است و بهتر است که در شیشه هم بماند، لذا مجبور شدیم که به بیمار یک بسته کامل بدهیم و مریض تفاوت آن‌را آزاد بدهد.

## یادداشت ۸

دو بسته قرص شیرین کننده مخصوص بیماران دیابتی را جلویم روی پیش‌خوان داروخانه گذاشت و سؤال کرد: آقای دکتر این‌ها را از آمریکا آورده‌اند و قیمتی را هم پیشنهاد کرده‌اند. می‌خواستم ببینم صرف می‌کند بخرم یا نه؟

بسته‌ها را نگاه کردم. یکی ۱۲۰۰ عدد قرص داشت و دیگری ۶۰۰ عدد. اون بزرگه دو سال تاریخ مصرف داشت و آن کوچیکه، شش ماه از تاریخ مصرفش گذشته بود.

قصه تاریخ‌دار بودن یکی و تاریخ گذشته بودن دیگری را به او گفتم و قیمت قرص‌های شیرین کننده داروخانه را هم به ایشان گفتم و تصمیم‌گیری را به عهده خود ایشان گذاشتم.

کار کردن در داروخانه باعث می‌شود که همه‌چیز مراجعه کننده‌ای را تجربه کنید.

## یادداشت ۷

قبل از این که به داروخانه برسم، یکی از بیماران دایمی مراجعه کننده به داروخانه جلو آمد و سلام علیکی کرد و یک قطره اشک مصنوعی را نشانم داد و گفت: آقای دکتر، من قبلاً از اشک مصنوعی یک‌بار مصرف استفاده می‌کردم، ولی به دلیل افزایش قیمت آن دیگر توان استفاده از آن را ندارم. الان که به داروخانه مراجعه کردم، این قطره را توصیه کردند. به نظر شما این قطره کار آن را می‌کند؟

سؤال کردم تکنیسین داروخانه برایتان توضیح نداد؟ گفت: توضیح که داد، ولی خواستم با شما هم دومرتبه کنترل کرده باشم.

شرح قصه را برایش گفتم و از این که به دکتر داروساز داروخانه به قدر کفایت اعتماد دارد و حرف او برایش حجت است، احساس رضایت کردم. مریض ما نفس راحتی کشید و خداحافظی کرد و رفت.

